

جواد مجابی از شعر و شاعری می گوید

# سرزمین حافظ و ادعای شاعر بودن؟!

• روز جشن کلمات در چه زمان و شرایطی سروده شده؟

این مجموعه شعرهایی است که من در سال ۹۱ سرورده‌ام. مجموعه دوم یا همان شعر ۲۶ هم شعرهایی است که در سال‌های ۹۲ و ۹۴ سروده شده است.

• چرا شعر ۲۶؟

دلیل نام‌گذاری این مجموعه به نام شعر ۲۶ این است که این مجموعه ۲۶مین مجموعه شعر من است. البته این نکته را باید یادآورم شوم که این ۲۶مین مجموعه شعر منتشر شده از من نیست، چرا که برخی از این مجموعه‌ها هنوز منتشر نشده‌اند، یعنی در حال حاضر که مجموعه ۲۷م من برای انتشار در دست ناشر است، هنوز مجموعه ۱۲م وارد بازار شده و این وقفه بیشتر به دلیل پروسه طولانی چاپ کتاب در کشور ما است که مشکلاتی را نیز برای مولف و مخاطب ایجاد می‌کند.

• چه مشکلاتی؟

وقتی باور داریم که شاعر یا نویسنده یک مسیر تکاملی را طی می‌کند و در عین حال مخاطبی که طرفدار یک شاعر است نیز معمولاً این مسیر را دنبال می‌کند، آن وقت ناچار باید بپذیریم وقوع یک وقفه در انتشار اثر مولف پرش‌هایی به وجود می‌آورد که باعث بدفهمی کارش شده و مخاطب را دچار سردرگمی می‌کند. برای مثال مخاطب با خوانش اثر می‌بیند که به یکباره شاعر به جای ادامه حال‌وهوای غنایی پیشین، سراغ فضایی گزارشی، فلسفی یا حماسی رفته است و در چنین شرایطی از خودش سوال می‌کند که چرا مولف دچار چنین نوساناتی شده است؛ همین اتفاق گاهی باعث می‌شود میزان علاقه مخاطب به نویسنده یا شاعر اثر کم شود و دیگر آن فرد را دنبال نکند. در کل می‌توان گفت انتشار نامرتب اثر مخاطب را بی‌اعتماد می‌کند، زیرا شیوه گفتن مولف تغییر کرده است.

• الان در این موقعیت سنی و زمانی و در جایگاهی که در دنیای شعر دارید، در آثار جدیدتان به دنبال چه چیزی می‌گردید و از چه درپچه‌ای به حوزه شعر نگاه می‌کنید؟

شعرهای من از ۱۵سال پیش حالت خاصی پیدا کرده‌اند. شاید بتوان گفت در این شعرها به بیان تجربه‌های شخصی و روزنوشت‌هایی می‌پردازم و این دو مجموعه نیز از همین قاعده بیرو می‌کنند. به عبارت ساده‌تر من هر روز مقابل کامپیوترم می‌نشینم و ذهنیتم را در قالب شعر تایپ می‌کنم. در اصل این شعرها یادداشت‌های روزانه من است که در آن دنبال هنر نمی‌نویسم، بلکه هر آنچه درباره خودم، فضای هستی و اطرافیانم می‌بینم، در صفحه مینویسم و می‌پوش.

• پس می‌توان گفت وقایع روز به خوبی در شعرهای شما نمایان است؛ در واقع یعنی شما بی‌هیچ ذهنیتی از گذشته این شعرها را می‌پوشید...

با بخشی از صحبت شما موافقم و با بخشی مخالف. من برای نوشتن این شعرها هیچ شکل از پیش اندیشیده‌ام ندارم و به بیان وقایع رخ‌داده در جهان نمی‌پردازم، چرا که دغدغه اصلی من از سرودن شعرهایم، پرداختن به این موارد نیست. البته گاهی اتفاقاتی مثل آوار گازی که در بنگلادش هستند یا کودک‌کافی که در گیبی ریحی ما انسان‌ها شده‌اند، روی ذهن من اثر می‌گذارد و باعث می‌شود از این موضوعات نیز سخن بگویم.

• می‌توانید بگویید در روز چند ساعت از زندگی شما صرف شعر و شاعری می‌شود؟ به خصوص از این نظر که گفته‌اید همواره در زمان انتشار با حجم زیادی از شعرها روبه‌رو هستید و احتمالاً برای ویرایش آن باید وسوسای زیادی هم به خرج دهید...

من هر روز چند ساعتی را برای شعر نوشتن وقت می‌گذارم و در مدت نوشتن بارها کلمات را بالا پایین می‌کنم تا آنچه در ذهنم داشته باشم، شکل بگیرد و شعرها موسیقی بیرونی و درونی خود را بیابند. برای مثال اگر امروز چهار شعر بنویسم، تمام تلاشم این است که با تغییرات موجود شعرها دارای یک ساختار مشخص باشند. همچنین من شعرها را چند ماه بعد دوباره مورد بازبینی قرار می‌دهم تا تغییرات مورد نیاز انجام شود. بعد از آن در زمان انتشار نیز مجدداً بررسی می‌کنم، یعنی ویراست نهایی نمونه چاپی کتاب را نیز مورد بررسی قرار می‌دهم تا ایرادی وجود نداشته باشد.

• از شما می‌توان به‌عنوان نویسنده، نماینده‌نامه نویسی، نویسنده کودک، طنز پرداز، منتقد و پژوهشگر نیز نام برد، اما بیشترین آثارتان در حوزه شعر است. شعر در زندگی شما چه جایگاهی دارد؟

شهاب دارابیان | همین چند وقت پیش جواد مجابی ۷۸ ساله شد. شاعر، نویسنده، منتقد ادبی و هنرهای تجسمی، نقاش، طنز پرداز و روزنامه‌نگار همه فن حریف قزوینی کسه در هر عرصه‌ای با فعالیت پرداخته، قلم موجود در آن حیطه را در دسترس یافته است. جواد مجابی را می‌توان یکی از شناخته‌شده‌ترین روشنفکران و هنرمندان معاصر ایران دانست که نامش همیشه در میان بزرگان آمده. از این روشنفکر تأثیرگذار تا به حال ده‌ها کتاب تأثیرگذار و پر طرفدار در زمینه داستان منتشر شده و می‌شود گفت عموماً کتاب‌های او با اقبال خوبی از سمت خوانندگان - به‌خصوص خوانندگان حرفه‌ای - مواجه می‌شوند. مجابی همچنین بارها و بارها از سوی مجامع اروپایی و آمریکایی برای سخنرانی ادبیات هنر و ادبیات ایران دعوت شده و یکی از نمایندگان شاخص ادبیات معاصر ایران در مجامع بین‌المللی محسوب می‌شود.

جواد مجابی که اوایل دهه ۴۰ لیسانس حقوق و دکتری اقتصاد را از دانشگاه تهران گرفت، هم‌زمان روزنامه‌نگاری حرفه‌ای را نیز در فاصله بین سال‌های ۱۳۵۸-۱۳۴۷ در روزنامه اطلاعات پی گرفت. این روزنامه‌نگار با سابقه بعدها با مجلات ادبی ایران از جمله فرودوسی، جهان نو، خوشه، آدینه و دنیای سخن همکاری داشت... در ۴۰ سالگی که از فعالیت ادبی مجابی می‌گذرد، او ۲۰سال اخیر را به‌طور حرفه‌ای و فارغ از دغدغه‌های شغلی صرف نوشتن رمان، شعرها و تحقیقاتش کرده‌است. نوشته‌های او بیش از ۵۰ اثر چاپ شده‌است

که عمدتاً شامل مجموعه‌های پرشمار شعر، مجموعه داستان کوتاه، چندین و چند رمان، نمایشنامه، فیلمنامه، داستان کودکان، نوشته‌های طنز و طرح‌های هجایی، چند مجموعه مقالات و البته چند شناخت‌نامه ادبی درباره نویسندگان و شاعران ایران است. علاوه بر انتشار شعر، رمان و داستان کار عمده او در این سال‌ها تحقیق درباره نوپردازان هنرهای تجسمی ایران است که بالغ بر ۶ جلد می‌شود که تاریخ تحلیلی زندگی و آثار نقاشان و مجسمه‌سازان ۵۰سال اخیر است. همچنین پژوهش مفصلی در زمینه تاریخ طنز در متون ادبی ایران را ادامه می‌دهد که سیر شوخی‌های ادبی را در کتاب‌های نظم و نثر ایرانی طی هزار و اندی سال بر پایه تحولات اجتماعی ترسیم می‌کند. او همسر و دو فرزند دارد و اکنون در کوی نویسندگان زندگی می‌کند و اوقات به خواندن و نوشتن می‌گذراند...

این شاعر و نویسنده محبوب گفته‌هایی چند درباره شعر و ادبیات دارد. جایی گفته که من هر روز چند ساعتی را برای شعر نوشتن وقت می‌گذارم و در مدت نوشتن بارها کلمات را بالا پایین می‌کنم تا آنچه در ذهنم است، شکل بگیرد و شعرها موسیقی بیرونی و درونی خود را بیابند. برای مثال اگر امروز چهار شعر بنویسم، تمام تلاشم این است که با تغییرات موجود شعرها دارای یک ساختار مشخص باشند. همچنین من شعرها را چند ماه بعد دوباره مورد بازبینی قرار می‌دهم تا تغییرات مورد نیاز انجام شود. بعد از آن در زمان انتشار نیز مجدداً بررسی می‌کنم، یعنی ویراست نهایی نمونه چاپی کتاب را نیز مورد

بررسی قرار می‌دهم تا ایرادی وجود نداشته باشد. یا در جایی دیگر: به اعتقاد من انسان همواره باید علیه هر چیزی، حتی خودش طغیان کند. این فکر انسان را رنجات می‌دهد. هنرمندی که طغیان نگر نباشد و دایماً از خودش تعریف کند، از خودش جا می‌ماند. یکی از جدیدترین گفته‌های مجابی هم می‌تواند در شرایط امروز ادبیات داستانی ایران مهم و تأثیرگذار باشد؛ او گفته: من متوجه برخی نگرانی‌های دوستان شاعر و نویسنده درباره انتشار آثار ضعیف نمی‌شوم و نمی‌دانم که چطور انتشار یک کتاب ضعیف می‌تواند به ادبیات لطمه بزند. به اعتقاد من انتشار انبوهی از آثار برتویلا در یک دوره نمی‌تواند لطمه‌ای به ادبیات بزند.

در زمینه شعر؛ همچنین، جواد مجابی از پرکارترین‌های زمانه‌اش بوده است. شاعری که شاهد دعوای ادبی دهه‌های ۳۰ و ۴۰ بوده، قد کشیدن شعر نیامی را در دهه ۴۰ دیده و خود در آن دوره در کنار شاعران بزرگی مانند شاملو سراغ تجربه‌های جدید رفته است. او در همان سال‌های ابتدایی فعالیت‌های ادبی‌اش تلاش کرد تا نگاه رمانتیک حاکم در شعرهای آن دوره را کنار بگذارد و سراغ تجربه‌های جدید برود؛ تجربه‌هایی که روز به روز پخته‌تر شد و باعث شد نامش در میان افراد تأثیرگذار ادبیات معاصر ثبت شود. انتشار مجموعه‌های شعر روز جشن کلمات و شعر ۲۶ در نشر بوتیمار به‌عنوان ۱۶مین مجموعه شعر او بهانه‌ای شد بنشینیم پای صحبت‌های این چهره مطرح ادبیات درباره دنیای شعر و شاعری...

فعالیت‌های یک نفر هستیم، زیرا توهمات موجود تنها مختص شاعران نیست و در سینما، تئاتر، موسیقی و حتی حوزه داستان نیز شاهد چنین افرادی هستیم. به‌نظر من باید اجازه دهیم که این دوستان در مسیر خود ادامه دهند و با تأیید ۵۰ هنر در اینستاگرام و فیسبوک خوشحال باشند. من واقعا متوجه برخی نگرانی‌های دوستان شاعر و نویسنده نمی‌شوم. به اعتقاد من انتشار انبوهی از آثار برتویلا در یک دوره نمی‌تواند لطمه‌ای به ادبیات بزند. این توهمی است که در هر دوره تکرار و موجب



نگرانی اهل ادب می‌شود، چرا که از بین ۱۶ هزار تنها مختص شاعران نیست و در سینما، تئاتر، موسیقی و حتی حوزه داستان نیز شاهد چنین افرادی هستیم. به‌نظر من باید اجازه دهیم که این دوستان در مسیر خود ادامه دهند و با تأیید ۵۰ هنر در اینستاگرام و فیسبوک خوشحال باشند. من واقعا متوجه برخی نگرانی‌های دوستان شاعر و نویسنده نمی‌شوم. به اعتقاد من انتشار انبوهی از آثار برتویلا در یک دوره نمی‌تواند لطمه‌ای به ادبیات بزند. این توهمی است که در هر دوره تکرار و موجب

• شاعران جوان چطور این کار را انجام دهند یا به عبارتی چگونه خودشان را پیدا کنند؟ برای شاعر بودن باید با هستی شاعرانه در ارتباط بود، یعنی ارتباط داشتن با دیگران، سفر کردن، آموختن، تفریح کردن و همه مواردی که باعث ذخیره ذهنی می‌شود و درپچه‌های جدیدی را به روی شاعر باز می‌کند. متأسفانه در جامعه ادبی

عده‌ای هستند که عاشق کار خودشان می‌شوند و به تعریف از آن می‌پردازند. به اعتقاد من انسان همواره باید علیه هر چیزی، حتی خودش طغیان کند. این فکر انسان را نجات می‌دهد. هنرمندی که طغیان نگر نباشد و دایماً از خودش تعریف کند، از خودش جا می‌ماند. من گاهی هنگام شعر نوشتن به این نتیجه می‌رسم که الان زمان مناسبی برای شعر نوشتن نیست، به همین دلیل آن را کنار می‌گذارم و سراغ رمان نوشتن، نقاشی کردن یا سفر می‌روم.

• شما از دهه ۴۰ در حوزه شعر فعالیت دارید و بالا و پایین‌های شعر معاصر را دیده‌اید. به نظر شما شعر امروز ما در چه جایگاهی قرار دارد؟ من تصور می‌کنم در دوره‌های مختلف، ادبیات روند تکاملی خودش را طی کرده و به همین دلیل به دهه درخشان اعتقاد ندارم، چرا که شرایط اجتماعی بر صورت‌بندی‌های ادبی تأثیرگذار است. برای مثال قبل از انقلاب روشنفکران برای بیان دیدگاه‌شان سراغ شعر آزاد می‌رفتند و همین قشر بعد از انقلاب تفکرات‌شان را در قالب رمان به جامعه عرضه کردند. این امکان نیز وجود دارد که تفکرات این افراد به‌زودی در قالب سینما مطرح شود. هدف از گفتن این حرف‌ها این بود که بگویم شعر از بین نمی‌رود و در هنرهای دیگر خودش را نشان می‌دهد. برای مثال عباس کیارستمی، شاعری است که به سینما پرداخته و مطمئن باشید که اگر در دوره‌ای زندگی می‌کرد که سینما نبود، بدون شک او همان اندازه که در سینما چهره شناخته شده‌است، در حوزه شعر نیز چنین وضعیتی پیدا می‌کرد. البته این موضوع مثال تاریخی هم دارد. برای مثال بعد از حافظ تا صائب شاعر بزرگی نداریم. علت این است که شعر در این دوره حامی بزرگی ندارد و هنرمندان ما ذوق شعری خود را در عرصه مینیاتور آزموده‌اند؛ چرا که شاهان مغول حامی مینیاتور بوده‌اند. برای همین قبل از انقلاب روشنفکران برای بیان دیدگاه‌شان سراغ شعر آزاد رفتند و همین قشر بعد از انقلاب تفکرات‌شان را در قالب رمان به جامعه عرضه کردند. این امکان نیز وجود دارد که تفکرات این افراد به‌زودی در قالب سینما مطرح شود.

این صحبت‌ها در دهه ۴۰ نیز مطرح بود و عده‌ای اعتقاد داشتند که شاعران نیامی در حال تخریب ادبیات هستند. برای مثال شاملو در سال ۱۳۳۴ مجموعه شعر «هوای تازه» را وارد بازار می‌کند و نخستین گفت‌وگوی رسانه‌ها با او مربوط به سال ۱۳۴۲ است. این حرف به این معناست که ۸سال درباره یکی از آثار بی نظیر شاملو سکوت شد، چرا که پذیرش این نوع ادبیات برای جامعه قابل فهم نبود. در حال حاضر تصور من این است که شاعران خوبی در کشور فعالیت می‌کنند و هنر رو به رشد است. من چنین ذهنیتی ندارم که شعر خوب برای دوره خاص است و بعد از ما تمام خواهد شد.

• با توجه به شرایط موجود آیا استقبال از کتاب‌های شعر رضایت‌بخش است؟ این که از کتاب‌های شعر، استقبال می‌شود یا نمی‌شود ربطی به شعر خوب و بد ندارد و باید نگاه ما نسبت به حوزه کتاب عوض شود، چرا که مشکلات موجود دست‌وپای همه ما را بسته است.

دوستی می‌گفت که ما چند هزار کتابخانه عمومی در سطح کشور داریم و اگر دولت برای هر کدام از این کتابخانه‌ها تنها دو نسخه از کتاب‌های منتشر شده را خریداری کند، هر کتاب حداقل در شمارگان ۶هزار نسخه منتشر می‌شود. در کشور سوئد دولت به ناشر پول می‌دهد تا کتاب‌هایی را به زبان‌های مختلف

مثلاً فارسی منتشر کند. از طرفی کتاب‌های منتشر شده به زبان‌های خارجی توسط دولت از ناشران برای کتابخانه‌های عمومی خریداری می‌شود و به این شکل دولت هم در پروسه تولید و هم در پروسه فروش به حمایت از ناشر می‌پردازد. از طرفی وقتی فردی به کتابخانه مراجعه می‌کند و کتاب نویسنده‌ای را به امانت می‌برد، مقداری پول به حساب نویسنده اثر واریز می‌شود و به این شکل از نویسنده نیز حمایت می‌شود.

• کلام آخر... در شرایط فعلی حوزه کتاب نیاز به تبلیغات و اطلاع‌رسانی دارد. اگر به دهه‌های ۴۰ و ۵۰ دقت کنید، متوجه می‌شوید که در این دوره به دلیل وجود نشریات ادبی متنوع و حضور منتقدان و بازار پررونق هنر و ادبیات، دادوستد کالاهای هنری بهتر و بیشتر انجام گرفته و کتاب رونق بسیار خوبی داشته است، بنابراین باید مکانیزم نشر تغییر کند. نشر ایران، نشر ضعیف و بی‌نویایی است و دولت باید برای کمک به آن، خودش را از این حوزه کنار بکشد، چرا که تا زمانی که نشر ما خصوصی نشود، اتفاق خاصی برای آن رخ نمی‌دهد.

پس، همسر، کارکنان